



جمال شورهج (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهریار یجرانی (فیلمساز)

داریوش ارجمند (بازیگر)

ناود میرباقری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (سینسدان)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (یویاتنا)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید آوینی (فیلمساز)

نادر طالب‌زاده (کارگردان)

سی و یکم شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی برابر با بیست و دوم سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی ارتش رژیم بعث عراق به خاک ایران تجاوز کرد.

تجاوز و اشغال بخش‌هایی از غرب و جنوب غربی ایران به دنبال پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ ایران و عراق به دست صدام حسین الکتریتی رئیس‌جمهور و رهبر وقت حزب بعث عراق رخ داد.

و اوسا ادعای عمل نکردن ایران به تعهدات ارضی و مرزی، قراردادی را زیر پا گذاشت که از حیث حقوق بین‌الملل غیرقابل فسخ شناخته می‌شد.

ارتش متجاوز بعث که از حمایت آشکار آمریکا و همپیمانان و مترجمین عرب برخوردار بود، در اطراف یک ماه، ۱۰ شهر مانند کرمشهر، مهران، موسیان و… سه هزار روستا و در مجموع ۱۳ هزار و ۶۰۰ کیلومتر مربع از خاک کشورمان را به اشغال خود در آورد.

تجزیه ایران در کنار جلوگیری از نفوذ اندیشه اسلام اهل بیت و مکتب انقلاب اسلامی به عراق به شکل روشن از اهداف اصلی تجاوز به ایران به شمار می‌آمد. موضوع تجزیه، در کلام صدام الکتریتی که پیش از تهاجم، خبر از فتح سه روزه ایران داده بود، بارها تکرار شد و نقطه تاکید قرار گرفت. نکته مهم نیز این بود که حدود تجزیه منحصر به خوزستان نبود؛ خوزستانی که از سوی رسانه‌های بعثی «عربستان» نامیده می‌شد.

به نوشته وبگاه «تاریخ شفاهی ایران» و به نقل از روزنامه فرانسوی لوموند؛ دیکتاتور بغداد، در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۱ تصریح کرد:

«اگر مردم عربستان (یعنی خوزستان ایران) از ما بخواهند آنجا مستقر می‌شویم، همچنان که مردم بلوچ، کردها و با آذری‌ها می‌خواهند، می‌توانند مستقیما تصمیماتی که به آنها مربوط می‌شوند، بگیرند!»

رئیس‌جمهور اسبق عراق در واقع بر این نکته مهم اشاره دارد که با اشغال ایران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی، علایمپوز خوزستان، آذربایجان، سیستان و بلوچستان و نیز کردستان از پیکره سرزمین ایران جدا خواهند شد. بدانیم که، جنگ تجزیه‌طلبانه در همان ماه‌های نخست پیروزی انقلاب اسلامی در پنج نقطه ایران شکل گرفت و با وقوع جنگ تحمیلی نیز همه فرقه‌ها و گروه‌های تجزیه‌طلب مانند کومله، در کنار رژیم بعث قرار گرفتند و از حمایت تسلیحاتی، اسلحه‌ای و مالی بهره‌مند شدند.



سریال «شغال» در قسمت نخست خود صحنه‌ای را به نمایش گذاشته که برای بسیاری از مخاطبان آشنا و حتی تکراری به نظر می‌رسد، میز پوکر که شخصیت‌ها در اطراف آن به شرط بندی مشغول‌اند. این صحنه برای بخشی از بینندگان یادآور روندی است که مدتی استست در برخی آثار نمایشی داخلی به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد استفاده از این المان‌ها، میز پوکر همراه با مشروب‌خواری، مصرف مواد و نمایش حالات غیرعادی شخصیت‌ها، به یک شابلون ثابت تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که تغییر چندان در محتوای ساختارشکن شبکه نمایش خانگی مشاهده نمی‌شود.

این تکرار بیش از حد، حساسیت اولیه خود را از دست داده و اکنون بیشتر ملال‌آور جلوه می‌کند و البته کاراکترهایی که دور میز قمار می‌نشینند و مشروب مصرف می‌کنند، همچنان جذابیت خود را دارند. با تغییرات کلان در سانسور، برخی کارمندان و تهیه‌کنندگان سابق سیما در امور تولید این سریال نقش جدی ایفا می‌کنند و احتمالا به‌عنوان عناصری ضربه‌گیر استفاده می‌شوند تا چنین سکناس‌هایی بدون سرانجام ترازیک برای شخصیت‌هایی که به این امور مشغول‌اند، از نهاد ناظر تایید شود. با این حال، در «شغال» استفاده از این صحنه‌ها اگرچه قرار است مقدمه‌ای برای معرفی نوع شخصیت‌ها و مسیر داستان باشد، اما شباهت آشکار آن با نمونه‌های پیشین، عدم اصلاح روندها در نهاد ناظر را آشکار می‌کند.

سریال «شغال» با آغاز داستان خود بار دیگر از همان فرمول آشنای میز پوکر استفاده کرد؛ جایی که شخصیت‌ها گرد هم می‌آیند، شرط بندی می‌کنند و در ادامه با مشروب‌خواری و مصرف مواد به ورطه رفتارهای غیرعادی می‌افتند. این سریال سکناس‌ها را در سربازهای دیگر نیز بارها دیده شده، اغلب نتایج اخلاقی مشخصی به مخاطب ارائه نمی‌دهند. شخصیت‌ها با مصرف الکل یا مواد از حالت عادی خارج می‌شوند و همین موضوع بستری برای وقوع حادثه‌ای تیره و خشن فراهم می‌کند. «از یسار رفته» یکی از نمونه‌هایی است که دقیقاً چنین مسیری را پیموده و حالا «شغال» تقریباً همان روند را تکرار می‌کند. نکته دیگری که مورد انتقاد قرار گرفته، نوع نگاه آثار نمایشی به مقوله مشروب‌خواری و مصرف مواد است. اغلب این رفتارها به نشانه‌ای از «شرارت» یا «بدبی» شخصیت‌ها تبدیل نمی‌شوند.

در «شغال» نیز صحنه انتحاجیه چنین وضعیتی دارد: حضور خدمتکار جوان زن در خانه خانواده کلویان مسیر ماجرا را به سوی رخدادی تاریک هدایت می‌کند. سامی (علیرضا نسب) در خانه خانواده کلویان در بازی قمار کامیار (امیرحسین فتاحی) فرزند این خانواده را شکست می‌دهد و شرط و ا شرط برای نگرفتن سند زمین خانوادگی، تجاوز به دختر خدمتکار در مقابل چشمان او و خانواده‌اش است. اما در «شغال» سازندگان با رویکردی متفاوت عمل کرده‌اند. در قسمت‌های بعدی سریال، شخصیت‌های منفی تطهیر می‌شوند.

اما با نظر به منبع تاریخ شفاهی ایران درمی‌یابیم که صدام در ۱۷ دسامبر ۱۹۸۰ در دیدار و گفت‌وگو با سردبیران مطبوعات کویت ضمن طرح ادعای دفاع از حقوق اعراب، به صراحت ضمیمه کردن سه جزیره ایرانی «بوموسی و تنب‌های بزرگ و کوچک» را بخشی از نقشه تجاوز خود به ایران توصیف کرد و همچنان‌زده بعدی از طرف تجزیه را افشا نمود. مضحک اینکه تجاوز و اشغال ایران نه تنها با محکومیت عملی رژیم بعث از سوی جهانپان واقع نشد، بلکه آمریکا و ۵۶ کشور جهان پشت سر دیکتاتور بغداد ایستادند و این‌گونه وارد جنگی غیرمستقیم با «ایران»ی شدند که تنها با داستد خالصی در دو جبهه خارجی و داخلی(با گروهک‌هایی چون منافقین و اشرار) می‌جنکید و مقاومت می‌کرد. گفتمان که یکی از دو ابرقدرت شیطان‌ی دهه ۵۰ و ۶۰-امریکا- مدافع بغداد یعنی بود.

از جمله اسناد موضوع حمایت واشنگتن از متجاوز و اشغالگر بعثی، بیانیه نوامبر ۱۹۸۳ دولت آمریکا است. در این بیانیه آمده است که «دولت آمریکا هر آنچه لازم و از نظر قانون موجه است را انجام می‌دهد تا عراق در جنگ با ایران مغلوب نشود!»

جنگ بی‌معنا و جایزه‌های معنادار!

بژمان کریمی

جایزه‌های معنادار!

دیدار رونالد ریگان رئیس‌جمهور آمریکا و طارق عزیز وزیر خارجه رژیم بعث، در سال ۱۹۸۴ نیز سندی دیگر از روابط نزدیک کاخ سفید و صدام حسین تلقی می‌شود.

گذشته از این، وقتی بدانیسم که در طول جنگ تحمیلی، ایران از ۱۸ کشور مانند سودان و مصر، اسیر گرفته بود، به خوبی می‌توانیم وسعت و گسترده‌گی جبهه مقابل ایران را درک سازیم؛ از این رو می‌توانیم بگوییم؛ جنگ تحمیلی عراق بعثی و آمریکا و اذنان

اگرچه تجاوز به کشورمان در شرایط ابتدای انقلاب، به‌هم ریختگی ساختار ارتش، نبود دستگاه اطلاعاتی، نوپایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و… صورت گرفت و با صدای آری فشرده دشمنان داخلی و خارجی متعدد واقع شدن در مدار تحریم‌های اقتصادی و تسلیحاتی ادامه یافت، حکومت و مدافعان کشورمان دشمنان را شکست دادند و جهانی را شگفت‌زده کردند. به‌لا… شکست دادند چرا که اهداف کلان تجاوز به ایران هرگز محقق نشد و برعکس؛ نمایی از قدرت و اقتدار ایران و جمهوری اسلامی پدیدار گشت.

این سطور آمد تا گفته شود:

در بخش کلاسیک جشنواره فیلم ونیز جایزه بهترین فیلم مرمت شده، به فیلم «باشو غربیه کوچک» اعلا داده شد. این فیلم محصول سال ۱۳۶۴ است و کاری ضد جنگ با به گفته‌ای رساتر و دقیق‌تر؛ فیلمی ضد دفاع به شمار می‌آید. به عبارتی «باشو…» فیلمی است که در آینه آن، نما و روایتی از فرهنگ مقاومت نمی‌بینیم. مضحک است که برخی منتقدان ک‌سواد و بی‌بصیرت فیلم یاد شده را که در اوج روزهای جنگ و دفاع ساخته شد، به دلیل عرصه تصویری ملموس

تطهیر متجاوز و سکوت قربانی درس تلخ سریال شغال

مهدی امیدی



در عین حال، مسئله اخلاقی و نمایشی مهمی در متن سریال وجود دارد: رابطه مصرف الکل و مواد با برجسب «مثبت» شخصیت‌ها در بسیاری از سکناس‌ها، هر بار که شخصیتی مشروب می‌نوشد یا مواد مصرف می‌کند، متن روایت کاراکترها را به درجه‌ای از انجم امور منفی اما قایل بخشی تقلیل می‌دهد؛ انگار که ای در «شغال» و سایر آثار شبکه نمایش خانگی جریان دارد و پرش‌هایی در طرح می‌کند. سکناس می‌قمار یکی از نقاط محوری قسمت نخست است؛ جایی که باختن و معامله اسناد و املاک به‌سرعت به تحول فاجعه‌بار و زندگی یکی از شخصیت‌ها منجر می‌شود. آنچه در ظاهر ممکن است یک «میدان» دراماتیک دمدستی

لزوم حمایت از میراث ماندگار دوبله ایران

صنعت دوبله و صدایبشگی، با خلق صداهای ماندگار و شخصیت‌های به‌یادماندنی، بخش مهمی از میراث فرهنگی و هنری ماست. بسیاری از ما با خطرات زیادی از این صداهای زندگی کرده‌ایم و با آنها خندیده‌ایم، گریسته‌ایم و لذت برده‌ایم. متأسفانه، طی سال‌های اخیر بسیاری از این هنرمندان به دلیل کمبود سن و بیماری از میان ما رفته‌اند و صدای جاودانه آنها دیگر به گوش نمی‌رسد. آن دسته از پیشگامانی که هنوز در قید حیات هستند، اغلب شرایط مساعدی ندارند و وظیفه نهمادهای فرهنگی و به‌خصوص سازمان صداوسیماست که حمایت‌های ملموس و عملی از این گنجینه‌های ارزشمند به عمل آورند. گرچه تلاش‌هایی برای پرورش نسل جوان دوبله صورت گرفته، اما ظهور صداهای ماندگار جدید نیازمند زمان است و در حال حاضر، توجه به استادی و پیشگوسان دوبله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این صدایبشگان، با هنرنمایی خود در آثار سینمایی و تلویزیونی، فرهنگ و اصالت ایرانی را به نمایش گذاشتند و سال‌ها بدون چشم‌داشت مادی، در سخت‌ترین شرایط برای درخشش هنر دوبله ایران در جهان تلاش کردند. دوبله ایرانی فیلم‌های خارجی تا حدی بی‌تغییر است که بارها بازیگران و عوامل تولید فیلم‌های اصلی را شگفت‌زده کرده است.

با این حال، بسیاری از این هنرمندان امروز به فراموشی سپرده شده‌اند یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. حمایت از این افراد نباید صرفاً در حد شعار و



و مؤثر از خشونت جنگ تحسین می‌کنند. به‌لا… قطعاً جنگ با خشونت دارای پیوندی استوار است اما نمی‌توان آشکار و پنهان، «جنگجویی و جنگ» را «نزوما» مترادف با «دفاع و مقاومت» جعل نمود و همراهسازی آن حکم داد که:

«چون بستر جنگ، خشونت است پس؛ انسانی و خردمندانه است؛ چه در مقام متجاوز و چه جایگاه مدافع، تسلیم بود و از رویارویی پرهیز کرد!» حرف «باشو…» بنا به تاکید و ادعان مدافعان و شیفتمانگ فیلم همین است و بس! و به همین دلیل هم بود که فیلم حدود چهار سال مجوز و مجال

نمایش پیدا نکرد! سطح دانش و تحلیل و بصیرت و البته کینه نسبت به دین و استقلال کشور و هموطن، خیره‌کننده است، نه‌ا؟

از آقای فیلمساز باید پرسید: پس از دریافت جایزه جشنواره ونیز، سازنده فیلم، در فضای مجازی دیدگاهی منتشر کرد که روشن‌تر از پیش، بخشی از باور و ذهنیت وی را عریان پیش روی مخاطب قرار داد.

این کارگردان آورده است: «با کمال فروتنی به همه قربانیان بی‌گناه آن جنگ هشت ساله بی‌معنا، درود می‌فرستم و…» از دیدگاه بسیار کوتاه آقای کارگردان می‌توان نتیجه گرفت:

یک- و کاملاً هشت سال دفاع مقدس را بی‌معنا می‌دانسته و می‌داند. به عبارتی، او خود تایید و اعتراف می‌کند که «باشو…» ضد جنگ با بهتر بگوییم؛ ضد دفاع مقدس است و دلیل توقیف آن درست بوده است! دوم- فیلمساز یاد شده، اساساً قائل به موضوعی چون «تجاوز به مبین»، «محکومیت متجاوز و اشغالگر و اشغال»، «ضرورت مقاومت و دفاع» نبوده و نیست! باید گفت؛ ماجرا ساده است:

یک کشور، هدف تجاوز دولتی دیکتاتور و نژادپرست به شکل بی‌پرده و بی‌رحمانه، از همان قسمت نخست، کمک می‌کنند تا اشغال کامل و تجزیه ایران رخ دهد، با در نظر آوردن نکته بالا، فرد و به ظاهر موفقیت‌های فرد هدف عنایات و بورسیه فرج دبیا، به‌خوبی قابل تحلیل است…جز این است؟

رابطه‌اش را با کامیار قطع کند. شابلون اخلاق در مدیوم نمایشی ایران عملاً در «شغال» نابود شده و کشورهایی در بستر داستانی سریال گنجانده شده است که با معیارهای نمایشی سازمان ناظر مخصولی ندارد. آیا می‌توان «بخشش» چند میلیارد تومان ملک را با سکوت و تماشای تجاوز به یک دختر بی‌گناه توجیه کرد؟



«شغال» اثری است که با «شابلون» نمونه‌های ترکی و سریال‌های ضدخانواده آمریکایی جنوبی ساخته شده است. اما شاید جدی‌ترین مسئله‌ای که «شغال» به آن پرداخته، ماجرای تجاوز است. نمایش این رویداد به شکل بی‌پرده و بی‌رحمانه، از همان قسمت نخست، بار سنگینی بر دوش مخاطب گذاشته است.

سریال از این نقطه به‌ عنوان یک محرک صرف عبور می‌کند و به عمق پیدمدهای اجتماعی، روانی و خانوادگی چنین واقعه‌ای نمی‌پردازد؛ بلکه آن را به مولفه‌ای نمایشی و سانساتی‌مانی تبدیل می‌کند. این سریال نمی‌تواند این موضوع حساس را با جدیت و ظرافت دنبال کند و موضوع تجاوز به عنف، با وجود محدودیت‌های روایی و ممیزی و حتی با پشتوانه فقه تجارت حرام، چرا که در شرایط عادی خانواده کامیار مخالف ازدواج فرزندشان با دختر خدمتکار خان‌شان بودند و دختر از این مسئله به عنوان دستاویز استفاده می‌کند.

در یکی از سکناس‌های تأثیرگذار، دختر قربانی پس از وقوع حادثه از خانه فرار می‌کند و تصمیم به خودکشی می‌گیرد و در همان لحظه، تماس مادرش او می‌شود. حتی در سریال‌های ترکی، کره‌ای، آمریکایی و حتی آمریکایی جنوبی، واکنش به تجاوز توأم با عمل انتقامی است و در محصولات نمایشی داخلی توصیه به شکایات قانونی راحل مناسبی محسوب می‌شود. اما در «شغال»، شکایات قانونی در نیمه راه نفی می‌شود و آوا، کاراکتر مورد تجاوز قرار گرفته، با مورد حاد خود و تجارت حرامش، چرا که در شرایط عادی خانواده کامیار مخالف ازدواج فرزندشان با دختر خدمتکار خان‌شان بودند و دختر از این مسئله به عنوان دستاویز استفاده می‌کند.

حرف باقی بماند، بلکه باید عملی و اجرایی شود. حمایت همه‌جانبه از پیشگوسان، علایمپز دلگرمی خود آنها، انگیزه‌ای برای نسل جوان خواهد بود تا با اشتیاق وارد این عرصه شوند. امید است که مسئولان فرهنگی و هنری کشور، گام‌های مؤثر و مثبتي در این زمینه بردارند و نشان دهند که به این هنرمندان توجه ویژه دارند. این عزیزان سال‌های عمر و جوانی خود را صرف شاد کردن مردم کردند و امروز شایسته یک زندگی بی‌غدغه و توجه ویژه هستند تا همچنان بتوانند به این سرزمین و مردمش خدمت کنند.

رسول شمالی روزنده

صفحه ۸

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴

۲۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ – شماره ۲۳۹۵۷



جمال شورهج (فیلمساز)

تنگ مجازی-جنگ ترکیبی

تطبیق نظریه‌های شناختی با جنگ ۱۲ روزه

عزیزالله محمدی (امتدادجو)

جنگ ۱۲ روزه بین ایران و اسرائیل (۲۳ خرداد تا ۳ تیر ۱۴۰۴) نمونه‌ای بارز از چگونگی تعامل نظریه‌های اجتماعی با واقعیت‌های میدانی درگیری‌های مدرن است. این رویداد نه تنها یک رویارویی نظامی، بلکه صحنه‌ای برای آزمایش نظریه‌های جامعه‌شناختی، روان‌شناسی اجتماعی و جنگ شناختی بود؛ که اشکال مختلفی از چندوجهی بودن، نامتقارن و نامتوازن بودن را بر همه کارشناسان و نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف نمایش داد تحلیل و بررسی‌های تطبیقی مبتنی بر مهم‌ترین نظریه‌های اجتماعی با واقعیت‌های این درگیری موضوع اصلی برنامه‌های گفت‌وگومحور تمام رسانه‌ها جهان در این مدت بود که از زوایای مختلف به آن پرداخته شد و در مسیر سناریوهای القائی رسانه‌ها به مخاطبین قرار گرفت.

گرچه همه رسانه‌ها به صورت واگرایانه در دو جهت جانبداری از یکی از طرفین و یا برای مطامع خوش- مبتنی بر نیاز داخلی هر جغرافیا- این تحلیل و بررسی‌ها را انجام دادند؛ اما وابستگی به نظریه‌ها و بیان مصادیق در جهت بازگویی سمت پیروز و یا شکست خورده این جنگ، نقطه اشتراکی بود که می‌توان حتی بدون دیدن و شنیدن این برنامه‌ها و تنها با بررسی نظریه‌های مطرح شده، حقیقت و واقعیت به وقوع پیوسته در میدان را درک کرد.

نظریه سرمایه اجتماعی و همبستگی جمعی نظریه سرمایه اجتماعی (باتام و فوکویاما)



این نظریه بر شبکه‌های اجتماعی، اعتماد و هنجارهای جمعی که امکان همکاری برای دستیابی به اهداف مشترک را فراهم می‌کنند، تأکید دارد؛ تطبیق این نظریه با جنگ ۱۲ روزه و داده‌های میدانی نشان این جنگ منجر به تشکیل سرمایه اجتماعی بی‌سابقه ۸۲ درصدی در شاخص همبستگی ملی ایران شد.

مکانیسم شکل‌گیری وحدت در ایران با این شکل شد که تهدید وجودی ناشی از حمله اسرائیلی، با فعال‌سازی «حافظه تاریخی مقاومت» شکاف و گسل‌های اجتماعی را مسدود و لاقال می‌توان گفت که تا حدود زیادی محدود و متوقف کرد. بر اساس نظرسنجی‌های صورت گرفته، بیش از ۷۸ درصد شهروندان تهرانی «حفظ تمامیت ارضی» را فراتر از اختلافات سیاسی اولویت خود اعلام کردند و «حول نمادهای وحدت» قرار گرفتند. کاربران شبکه‌های اجتماعی با هشتگ «من هم ایرانی‌ام»، عکس‌های خود را در کنار پرچم ایران منتشر کردند که نشان‌دهنده عبور از اختلاف سلیقه‌ها بود.

نظریه تهدید خارجی و انسجام گروهی

این نظریه‌ها تأکید می‌کنند که تعارض با گروه‌های خارجی می‌تواند منجر به افزایش همکاری و وحدت درون گروهی شود که در تطبیق آن با جنگ ۱۲ روزه، دیده شد که اتحاد گروه‌های متعارض کاملاً به صورت آشکار به وجود آمد؛ زندانیان سیاسی، اقلیت‌های دینی و جریان‌های فکری متعارض (اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) با ایجاد گفتمان واحدی حول محور «دشمن مشترک، وطن مشترک» متحد شدند و تأکید بر «شکست استراتژی تفرقه‌افکنی دشمن» داشتند.

اسناد به‌دست‌آمده از عوامل موساد نشان می‌دهد برنامه‌ریزی برای تحریک اعتراضات ضد حکومتی با مقاومت شهروندان مواجه شد، نمونه بارز آن دستگیری عوامل نفوذی با هشتاد معازده‌دار بود.

نظریه زبان‌شناسی اجتماعی و جنگ شناختی

تطبیق این نظریه با موضوعات رسانه‌ای نزدیک‌ترین تطبیق با مصادیق روایی هست که سوگیری‌های رسانه‌ای و سناریوهای روایی را می‌توانیم با آن بهتر بازخوانی کنیم. این نظریه جنگ شناختی را نبرد بر سر «معنا» و از طریق «زبان» تعریف می‌کند که چگونه زبان در شکل‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی نقش دارد؛ تطبیق نظریه زبان‌شناسی اجتماعی و جنگ شناختی با جنگ ۱۲ روزه بازگوکننده چند مورد است که ابتدا «جدال روایت‌ها» را می‌توان از نظر گزاندان که هر دو طرف درگیر به شکل هدفمند در پی تثبیت روایت‌ها و معانی کلیدی بودند و در مرحله دوم می‌توانیم به «دستاوردهای شناختی ایران» که (تقویت روایت مقاومت و بازدارندگی، (نمایش وحدت و انسجام داخلی) و نیز (مشروعیت‌بخشی به دفاع مشروع) را به منصفه ظهور رساند بیان کنیم و در نهایت به «دستاوردهای شناختی اسرائیل» که در بر دارندۀ (روایت توانایی دفاعی)، (مشروعیت‌بخشی به عملیات پیشگیرانه، (برجسته‌سازی آسیب‌پذیری ایران) بود اشاره کنیم.

نظریه هویت اجتماعی و هویت ملی



این نظریه بیان می‌کند که افراد تمایل دارند هویت مثبتی از گروه خود داشته باشند و در مواجهه با تهدیدات خارجی، هویت گروهی تقویت می‌شود و تطبیق آن با جنگ ۱۲ روزه علاوه بر آنکه بازگوکننده «تقویت هویت ملی» (مواجهه با تهدید خارجی باعث تقویت هویت ملی و احساس تعلق به مبین شد. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۸۲ درصد مردم احساس همبستگی ملی قوی‌تری پس از جنگ تجربه کردند) شد؛ بلکه «انترتیف نمادهای ملی» را نیز در بر می‌گیرد. تصاویر تلفیقی از چهره رهبر انقلاب و فرماندهان شهید و نمادهای تاریخی ایران باستان (مانند داریوش) و سرودهای مذهبی- ملی، به تقویت غرور ملی کمک کرد.

نظریه اقتصاد مقاومتی و مشارکت

این نظریه همان طور که در رسانه‌ها به انحاء مختلف بارها تلاش صورت گرفته است که تبیین شود؛ بر مشارکت فعال مردم در عرصه‌های تولید، توزیع و مصرف برای مقابله با تحریم‌ها و تقویت اقتصاد درون‌زا تأکید دارد. تطبیق این نظریه با جنگ ۱۲ روزه در تأمین نیازهای اولیه و روزمره مردم شکل جدی‌تری را نشان داد که مشارکت مردمی در اقتصاد به تشکیل ۵۶۰۰ نانوالی تحت «تجادهی نان رایگان» منجر شد و روزانه ۱۲ میلیون نان در مناطق بحرانی توزیع کردند.

«مستگزان داوطلب» و تعمیر کارهای خودرو با اولویت‌دهی رایگان به آمبولانس‌ها و خودروهای نظامی، تجزیه رجستیک را حفظ کردند.

«کشاورزان خرده‌پا» با افزایش ۴۰ درصد تولید گندم در استان‌های مرزی طی جنگ، با وجود قطع واردات نهماده. گام مؤثری برای رفع رجاتاج مردم برداشتند.

نظریه روانشناسی اجتماعی و فشار جمعی

این نظریه‌ها به بررسی مکانیسم‌های روانی شکل‌دهنده رفتار جمعی در شرایط بحران می‌پردازند. تطبیق آنها با جنگ ۱۲ روزه در برگزیدن چند مورد است.

فشار هنجاری: ترس از طرد اجتماعی در صورت عدم پیوستن به جبهه وحدت. همداندرسان داوطلب: تجربه جمعی رنج غیرمطامیان (به ویژه شهادت کودکان)، حس «سرنوشت مشترک» را تقویت کرد.

واکنس روانی در برابر رسانه‌های خارجی: کاهش محبوبیت رسانه‌های فارسی‌زبان خارجی به دلیل عدم انطباق اخبار آنها با واقعیت‌های میدانی.

نظریه خرجه وحدت در جوامع چندبازه

نظریه «وحدت خرچه‌ای» بیان می‌کند که ملت‌های با پیشینه تمدنی عمیق، در مواجهه با تهاجم خارجی، گسل‌های داخلی را در خرچه‌های موقت وحدت‌آفرین مهار می‌کنند و در تطبیق با جنگ ۱۲ روزه توابع یک الگو و یک چالش بود.

الگوی تاریخی وحدت: این وحدت، بازتاب‌دهنده الگوی تاریخی است. (۱) جنبش مشروطه (۱۲۸۵): اتحاد علما و روشنفکران علیه استبداد (۲) شکست دولتی ۲۸ مرداد (۱۳۳۲): همکاری چپ‌ها و ملی‌ها (۳) تاریخ هشت سال دفاع مقدس به ویژه سال (۱۳۶۵)، پشتیبانی همه گروه‌ها از عملیات الفجر

چالش‌های آینده: این وحدت با دو تهدید روبه‌روست: (۱) بحران معیشت (۶۸ درصد مردم «تورم» را مانع تلاوم همبستگی می‌دانند. (۲) سیاست‌زدگی (بازگشت گفتمان‌های قطبی در فضای مجازی) که به این دو می‌توان پدیده‌های تحریک‌پذیر اجتماعی را نیز افزود.

با این توصیف، جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل زمینه‌ای نظیر برای آزمون نظریه‌های اجتماعی در شرایط واقعی فراهم کرد. این درگیری نشان داد که چگونه تهدید خارجی می‌تواند به صورت موقت گسل‌های داخلی را پنهان کند و سرمایه اجتماعی را فعال سازد. همچنین مشخص شد که جنگ شناختی و نبرد روایت‌ها، بخش جدایی‌ناپذیر درگیری‌های مدرن است و زبان به عنوان ابزار شکل‌دهی به واقعیت‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. چالش پیش‌روی ایران، حفظ این سرمایه اجتماعی و تبدیل آن به سرمایه پایدار است تا بتواند نه تنها در برابر تهدیدات خارجی، بلکه در مواجهه با مشکلات داخلی مانند معیشت و تورم نیز مقاوم باشد. این موضوع نیازمند فعالیت جمعی و مدیریت هوشمندانه نخبگان حاکم است تا وحدت موقت ناشی از تهدید خارجی را به همبستگی پایدار برای توسعه ملی تبدیل کند.

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهند که چگونه نظریه‌های اجتماعی می‌توانند چارچوبی مشخص و واضح برای درک پیچیدگی‌های درگیری‌های مدرن فراهم آورند و به درک بهتر واکنش‌های جامعه در شرایط بحرانی کمک کنند.